

## تاریخ و طریقه تدریس آن

( در مدارس ابتدائی )

از بدو مراجعت از گیلان مکرر از مدیران جراید و مجلات که حسن ظنی نسبت باین بنده دارند تقاضا نموده‌اند مقالاتی عام المنفعه بنگارم و با آنان در تنویر افکار هموطنان شرکت جویم . از یک طرف قلم من چنان قدرتی ندارد که در ردیف منورین افکارم جای دهد و از طرف دیگر محیط تهران بحدی فاسد است که بکنفرم مستخدم ساده دولت برای حفظ خود ، حفظ مقام ، حفظ وسایل معیشت . حفظ شئون علمی . قسمت اعظم وقت خویش را صرف دفاع می نماید و در قسمت دیگر رغبت نمی کند قلم در دست گیرد و بخود زحمت فکری دهد .

جدالهای افراد ، تزویرها ، دسیسه‌ها ، تهمت‌ها ، رقابت‌ها و حسادت‌ها بقدری در ایران و مخصوصاً تهران شدید شده است که اصلاً انسان از زندگانی در این محیط بیزار میشود . بالاخره فقدان وسایل حیات ، فقدان آسایش و بطور ملخص فقدان زندگانی مادی زندگانی روحانی و ادبی را از مردم این سر زمین سلب کرده است بطوری که هر فکور و عالمی اگر خود را مجبور بنگاشتن کند فقط در موضوعهای سطحی خواهد توانست سخن راند و ممکن نیست در عالم خیال در باغچه‌های فکر گردش کرده چیز لایقی برای آنان که قدرت و نیروی دخول در آن عوالم ندارند تحفه بیاورد

اینک در مقابل تقاضای مجله شریفه ارمغان نمی توانم دلایل فوقرا تکرار کنم ولی چون انشاء مقالاتی که برای عامه سودمند باشد ناچار بمقاماتی بر میخورم و جز تولید دشمن فایده دیگری عجبالتاً برای نویسنده ندارد قناعت بندگاشتن بک سلسله مقالات در علم تربیت و اصول تعلیم می نماید و کنفرانسهای (۱) که حسب الامر وزارت جایله معارف برای مدیران و معلمین و مفتشین مدارس در دو سال قبل داد و توسط خود وزارتخانه تدوین و طبع و نشر شد در اینجا تکمیل می نماید. اینک در موضوع تاریخ و طریقه تدریس آن در مدارس ابتدائی بسط مقال میدهد.

تاریخ یکی از مواد مهم پر گرام مدارس ابتدائی است و از سه نقطه نظر تعلیم و تدریس آن کمال لزوم را دارد.

اولاً از نقطه نظر تربیت عقلانی و ادبی. انسان همیشه گنججکاو است تا بداند اوضاع کنونی. مؤسسه های موجود و اخلاق و عادت نسل حاضر از چه زمان تولید شده. بچه شکل بوده و در بر تو چه انقلابات و حوادثی بحالت امر روزی در آمده است. شما همیشه باید بدانید مثلاً در قدیم وقتی کسی می خواست افکار خود را بدیگران بشناساند با چه علاماتی آنها را از عالم خیال بعالم محسوس در می آورد. در روی چه آن علامات را رسم میکرد. در چه زبانی بود. بچه وسیله نگارش های خود را تکثیر می نمود

(۱) نه کنفرانس در اصول تعلیمات علمی ( ۱۸۰ صفحه ) ۱ کتابخانه سعادت تهران

تا همه بخوانند و بواسطه چه تغییراتی امروز بشکل کنونی درآمده  
زبانش زبان حاضر شده . خطش خط موجود گشته . وسیله تکرار  
و نشر مقالاتش چاپ و طبع شده است . . . . . این حسن  
کنشکارها را فقط تاریخ جواب میدهد و راضی میسازد .

حافظه ما بواسطه آموختن تاریخ دارای ثروت معنوی و  
معلومات سودمند می گردد و بواسطه ضبط حوادث و وقایع بقوه  
درا که ما در فهمه اینکه چگونه ایران بصورت کنونی درآمده و  
چطور ایرانیان دارای آداب و رسوم امروزی میباشند کمک و  
یاری میکند . ولی در موقع ضبط حوادث بواسطه حافظه . قوه  
حاکمه ما بیکار نمی نشیند و وقایع گذشته را با نظر عمیق مینگرد  
مردمان سلف را بعضی تقدیر و برخی تنقید مینماید و بواسطه همین  
ورزش بر استحکام و نیروی خود میافزاید . البته در این عملیات  
روحی قوه متخیله هم مداخلت دارد زیرا که برای فهمیدن ازمنه  
ماضیه باید آنها را تصور نمود و در خیال خود مجسم ساخت بنابر  
این قوه مذکور نیز بواسطه تاریخ منبسط می شود .

ثانیاً از نقطه نظر تربیت اخلاقی نیز تاریخ عامل بزرگی است  
صفحات تاریخ مانند پرده‌های نمایش است که در آن دائماً عدل و  
ظلم با یکدیگر در مبارزه هستند و قلب انسان در حین مشاهده آن  
از مغلوب شدن حق در مقابل باطل متأثر میگردد و از غلبه حقیقت  
بر غلط و صدق بر کذب محظوظ و خورسند میشود آیا برای دل  
بشر تربیتی بهتر و قویتر از این تأثر و شمع میتوان تصور نمود  
معلم اخلاق باید تاریخ ایران را بسیار مفصل بداند تا بتواند

هر لحظه امثله خود را از این مخزن بر ثروت واقعی اخذ کند و بوسیله آنها سر مشق فداکاری و شجاعت و اقناع نفس در مقابل وظیفه بشاگردان خود بیاموزد .

از طرف دیگر تاریخ بطو و گندی تکامل بشر را بخواننده نشان میدهد و بهمین جهت مانع دماغ سوختگی و قوسودگی حیوانات میشود و بالعکس آنها را مجبور بسعی و عمل می کند زیرا که بانان مینمایاند که فقط در بر تو کوشش و اقدام آنها ممکن است ترقی مملکت فراهم آید . مخصوصاً تاریخ ایران اتفاقات بهت آوری در بر دارد و مینمایاند که قوای مخفی که هیچ کس حتی وجود آنها را حدس نمی زده است یکمرتبه طغیان کرده و باعث سعادت و آزادی و تعالی مملکت ما گشته است . در وقتی که هر کس از ایران مأیوس بوده و گمان نمی برده است وطن ما بتواند خود را از قید رقت خارج سازد . در زمانی که بیکانه مملکت ما را در تحت استیلای مستقیم خویش نگاه میداشته و ابدأ نشانی از قومیت و ملیت ما هویدا نبوده یک قوه غیبی که در حقیقت احساسات مستوره ایرانیان بوده هموطنان ما را بر انداخته و یک اردشیر بابکان و یا اسمعیل صفوی را علم قرار داده ایران را آزاد و مستقل ساخته است . بنابراین داستان ما بما یاد میدهد که هیچوقت نباید از آتیه خویش نومید باشیم ولی همین داستان نیز بما می آموزد که عقیده بعضی از فلاسفه غرب که عالم دائماً در ترقی میباشد خطا است زیرا که اگر امثله خود را از تاریخ ایران بگیریم - پس از ترقی ایران تا اواسط سلطنت ساسانیان مملکت ما بعد از بهرام گور رو با انحطاط گذارد

و همچنین پس از رسیدن باوج عزت در زمان شاه عباس بزرگ رفته رفته رو بحضیض ذلت قدم نهاد تا بالاخره بدست افغان افتاد اگر بسان ریاضیون در صفحه کاغذ دو محور مختصات رسم کرده ابیش (فاصله افقی) را سنوات قرار دهیم واردنه (فاصله عمودی) را ترقی و تنزل تاریخ بواسطه قوسهائی نمایش داده میشود که گاهی صعود میکنند و هنگامی نزول و هبچوقت ممکن نیست قوس صعودی بطور غیر محدود امتداد حاصل نماید

ثالثاً از نقطه نظر تربیت مدنی . تاریخ ایران وطن ما را مانند يك شخص اخلاقی بما نشان میدهد و می نمایاند مواقع بزرگی او را . اوقات ذلت و خفتش را . امیدهای ویرا در ازمنه ماضیه لزوم تعاون نسول مختلفه را و بالاخره وجوب اتحاد و اتفاق و سازش افراد را در صورتی که این شخص اخلاقی باید بمدارحی نایل آید که در حالت بزرگی حائز بوده است . بقیه دارد

تهران . ۲۷ جدی ۱۲۹۹

عبسی صدیق

( عمارات ویران شده دولتی در اصفهان )

در شماره شش و هفت مجله ارمغان در خاتمه مقاله مبسوطه تحت عنوان ( یادگار پدران میراث نیاکان ) از دانشمندان اصفهان و علاقه مندان بسعادت ایران تقاضا رفته بود : **که** اطلاعات مبسوطه مقرون به تحقیق خویش را در موضوع قصور عالیه و عمارات دولتی صفویه و خالصه جات و موقوفات با عکس عمارت اگر آباد